



## شناسایی و تبیین نیروهای پیشران مؤثر بر شکل‌گیری هندسه قدرت جدید منطقه غرب آسیا در گذار از نظم پساوستفالی

علی ستاری‌خواه<sup>۱</sup> - خلیل کویوند<sup>۲</sup>

### چکیده

منطقه غرب آسیا در دهه دوم قرن بیست و یکم با تحولات و پویایی‌های جدیدی مواجه بوده است. ظهور بیداری اسلامی در این منطقه، نویدبخش شکل‌گیری نظم نوینی است که با نظم موجود تفاوت‌های چشم‌گیری دارد و بازیگران جدیدی در شکل‌گیری آن به ایفای نقش پرداخته‌اند. پژوهش حاضر به منظور شناسایی و تبیین نیروهای پیشران مؤثر بر شکل‌گیری هندسه قدرت جدید منطقه غرب آسیا در گذار از نظم پساوستفالی به انجام رسیده است. روش پژوهش در این مقاله روش آمیخته با رویکرد اکتشافی است و جامعه آماری آن به صورت هدفمند شامل (۲۷) نفر از خبرگان و صاحب‌نظران حوزه امنیت ملی و روابط بین‌الملل در دانشگاه‌های نیروهای مسلح است. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای و برگزاری پنل‌های خبرگی و با استفاده از تکنیک ذهن‌انگیزی صورت پذیرفت. حاصل جلسات ذهن‌انگیزی، استخراج (۲۳) نیروی پیشران بود که به منظور صحت‌سنجی نیروهای پیشران از آزمون‌های اختصاصی نرم‌افزار SPSS شامل t تک‌نمونه‌ای، ضریب توافقی کندال و آلفای کرونباخ استفاده شد. در ادامه و با استفاده از نرم‌افزار آینده‌پژوهی میک‌مک و با به‌کارگیری تحلیل اثر ماتریس متقابل مؤثرترین نیروهای پیشران در حوزه موضوع پژوهش شناسایی و احصاء گردید که شامل احیاء جاده ابریشم در دو حوزه خشکی و دریا، تشکیل مثلث عربی، غربی و عبری در منطقه غرب آسیا و نقش‌آفرینی محور مقاومت در مقابله با گروهک‌های تروریستی تکفیری بود.

**واژگان کلیدی:** نیروهای پیشران، هندسه قدرت، غرب آسیا، نظم پساوستفالی، آینده‌پژوهی

DOI: 10.2783.4999/CSIW.2306.1280.3.26.6

<sup>۱</sup> دکتری مدیریت راهبردی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری، تهران، ایران  
alisattarikhah@yahoo.com

<sup>۲</sup> نویسنده مسئول: گروه آینده‌پژوهی دفاعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش، تهران، ایران  
zflower2010@gmail.com

شماره ۳ (۲۶)

سال ۹  
پاییز ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۴/۰۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۵/۲۳

صص: ۱۱۸-۱۴۶



## مقدمه

واژه نظم نوین جهانی پس از جنگ اول جهانی وارد ادبیات سیاسی شد و عملاً حاصل جنگ‌های ۳۰ ساله اروپای مرکزی بود که با قرارداد صلح و ستفالی، دو اصل جدید در سیاست خارجی «حفظ توازن قدرت بین‌المللی از طریق حمایت از ائتلاف ضعیف‌تر در برابر ائتلاف قوی‌تر» و «اولویت منافع ملی بر سایر منافع (مذهبی، عقیدتی و ...)» را مطرح کرد که بعداً به شکل گسترده‌تری از سوی سیاست‌مداران به کار گرفته شد، اما مرور زمان ثابت کرد که این دو اصل توسط قدرت‌های مسلط و پیروز همواره زیر پا گذاشته شده و به دستاویزی برای اعمال سلطه بر سایر کشورها تبدیل شد. نظم نوین جهانی که به ایجاد ساختار سازمان ملل متحد انجامید، امروز به دلیل ناکارآمدی و ناتوانی ساختار سازمان ملل متحد در حل معضلات و بحران‌های موجود در جهان از یک‌سو و سوءاستفاده قدرت‌های بزرگ از این ساختار برای گسترش سلطه و چپاول کشورها از سوی دیگر، در حال فروپاشی بوده و تلاش آمریکا در سه دهه اخیر برای جایگزینی نظم مورد نظر خود بعد از فروپاشی شوروی نیز ناکام مانده و جهان در حال گذار از یک پیچ تاریخی برای ورود به نظامی جدید است (اسماعیلی و جاودانی مقدم، ۱۳۹۹: ۱۸۹-۲۱۸).

هم‌زمان با رنسانس، تحولی در نظم جهان آغاز شد که تا امروز ادامه داشته و به دوره و ستفالی مشهور است. امروزه شواهدی مبنی بر پایان این دوره به چشم می‌خورد که می‌تواند به شروع دوره پسا و ستفالی (پست و ستفالی) تعبیر شود. شاخص عمده دوره و ستفالی، پیدایش، رشد و تکوین دولت‌های ملی است که انحصار بازیگری روابط بین‌الملل را به خود اختصاص دادند. این قدرت‌ها توانستند قدرت‌های غیراروپایی نظیر امپراتوری چین، ایران و عثمانی را به حاشیه رانده یا مقهور قدرت خویش نمایند. بدین سان نظم و ستفالی، نظامی اروپایی بود که به آرامی به سراسر جهان تسری یافت. در نتیجه، جهانی شدن این نظم یکی دیگر از ویژگی‌های عصر و ستفالی بود که برخلاف گذشته به یک قاره یا منطقه محدود نمی‌شد. از قرن نوزدهم میلادی نظم جهانی چنان وسعت یافت که هیچ جامعه یا کشوری نمی‌توانست در خارج از دایره الزامات آن، قرار گرفته و سرنوشت خود را به‌طور مستقل تعیین کند یا نسبت به آن بی‌تفاوت باشد. به همین دلیل مناقشات منطقه‌ای می‌توانست به جنگ‌های جهانی تبدیل شده و کشورهای بی‌شماری را ناخواسته به دامان

خود بکشاند که جنگ‌های جهانی اول و دوم نمونه بارزی از این وضعیت بود (دوست محمدی و الغیان، ۱۳۹۴: ۱۰۹-۱۳۰).

رقابت قدرت‌های بزرگ اینک در عرصه جهانی جریان می‌یافت و از آنجا که اقتصاد سرمایه‌داری بر پایه صنعت، پول و بازار، برخلاف اقتصاد کشاورزی که حالت محلی داشت، دارای بعد جهانی بود و ارتباطات را نیز به مدد می‌گرفت، رقابت‌ها و جنگ‌ها هم‌آمیزه‌ای از سیاست و اقتصاد را به نمایش می‌گذاشت که محدوده آن تمامی کره زمین به شمار می‌رفت. اینک بسیاری از پایه‌هایی که نظام وستفالی بر آن استوار بود، در حال فروریزی است، حاکمیت ملی و انحصار بازیگری دولت‌ها که از مهم‌ترین پایه‌های این نظم به شمار می‌رود، به شدت از سوی نیروهای فراملی، وابستگی متقابل، جهانی شدن و ده‌ها نوع بازیگر جدید نظیر سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و مدنی به چالش طلبیده شده‌اند. نظم جهان را می‌توان به سه دوره کلی تقسیم کرد: دوره اول، از وستفالی ۱۶۴۸ تا کنگره وین ۱۸۱۵ که دوره تکوین دولت‌های ملی و نظم وستفالی است؛ دوره دوم، از کنگره وین تا جنگ جهانی اول ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ که دوره جهانی شدن نظم وستفالی است و دوره سوم، از جنگ جهانی اول تا اواخر قرن بیستم که دوره بحران این نظم و برآمدن وضعیت جدید یا «عصر جهانی شدن» است (Felder et al, 2023: 15575-15584).

۳۰ سال قبل جمعیت جهان ۳ میلیارد نفر بود و اکنون ۸ میلیارد نفر. به همین میزان منابع آب، غذا و انرژی اکنون دارای اهمیت بیشتری نسبت به گذشته است. پیش‌تر در دوران بعد از جنگ جهانی دوم، حق حاکمیت دولت‌ها بیشتر مورد شناسایی و احترام بود. قبلاً تصور نمی‌شد، آمریکا و دولت‌های اروپایی به طرفه‌العینی به کشورهای مستقلی چون لیبی، عراق و سوریه حمله کنند و دنیا با چشمان بی‌تفاوت به این رخدادها نگاه کند. آمریکا سیستم و نظام جهانی را گروگان خود گرفته و با شعار «اول آمریکا» هیچ اعتباری برای کشورهای دیگر از جمله کشورهای اروپایی، چین و روسیه قائل نیست. در این بین ایران، سایر کشورهای خاورمیانه، آمریکای لاتین و آفریقا جای خود را دارند. در این نظم نوین، کشورهای که امتیاز می‌دهند، به نوعی خود را برده نیز می‌کنند. کشورهای عربی باید جنگ‌افزارهای آمریکایی را بخرند، مستشاران آمریکایی را برای استفاده از این جنگ‌افزارها به کار بگیرند و درنهایت از دولت آمریکا به‌زور رشوه و پول و پروژه‌های اغواکننده و خواهش و تمنا، بخواهند تا امنیتشان را تأمین کنند (بصیری و همکاران، ۱۳۹۶: ۷-۲۶).

با توجه به آنچه مطرح شد پژوهش حاضر باهدف شناسایی و تبیین نیروهای پیشران مؤثر بر شکل‌گیری هندسه قدرت جدید منطقه غرب آسیا در گذار از نظم پساو ستفالی به دنبال پاسخ به سؤالات زیر می‌باشد:

- نیروهای پیشران شکل‌دهنده هندسه قدرت جدید منطقه غرب آسیا در گذار از نظم پساو ستفالی کدام‌اند؟
- مؤثرترین نیروهای پیشران وارد بر موضوع مورد پژوهش کدام نیروهای پیشران هستند؟

### ۱- پیشینه پژوهش

مطابق با بررسی‌های انجام شده در منابع تحقیقاتی و در پایگاه‌های اطلاعاتی و نشریات معتبر علمی خارجی و داخلی، مواردی پیرامون موضوعاتی که به نوعی با این پژوهش مرتبط بوده‌اند، شناسایی شد، اما این منابع همه متغیرها و ابعاد پژوهش حاضر را با هم بررسی نکرده‌اند و در آن‌ها فقط به برخی از مؤلفه‌های مدنظر محققین این پژوهش توجه شده است که در ادامه نمونه‌هایی از این پژوهش‌ها در جدول شماره (۱) ارائه می‌گردد.

جدول شماره (۱)، پیشینه پژوهش

محقق	سال	عنوان پژوهش	یافته‌ها
اسماعیلی و جاودانی مقدم	۱۳۹۹	بازخوانی مؤلفه‌های نظم نوین در حال شکل‌گیری در منطقه غرب آسیا در پرتو بیداری اسلامی	پژوهش‌گران در این مطالعه عنوان می‌دارند که منطقه غرب آسیا در دهه دوم قرن بیست‌ویک با تحولات و پویایی‌های جدیدی مواجه بوده است. ظهور بیداری اسلامی در منطقه نویدبخش شکل‌گیری نظم نوینی بوده است که با نظم مستقر تفاوت‌هایی چشمگیری دارد و بازیگران جدیدی در شکل‌گیری آن به ایفای نقش پرداخته‌اند. شناخت مؤلفه‌های نظم پیشین و نظم در حال شکل‌گیری و جایگاه بیداری اسلامی در این تحولات از اهمیت زیادی برخوردار است. تحلیل داده‌ها بهره‌گرفته است، نشان می‌دهد که بیداری اسلامی نقطه عطفی در تاریخ تحولات غرب آسیا به

یافته‌ها	عنوان پژوهش	سال	محقق
شمار می‌رود که در پی آن نظم پیشین در حال شکسته شدن و تبدیل به نظم جدیدی با مؤلفه‌های منطقه‌گرایی است. محور مقاومت نیز به‌عنوان نیرویی برآمده از درون، بازیگر اصلی در روند تحولات بوده است. در سوی مقابل قدرت‌های بیگانه نتوانسته‌اند نظم مطلوب خود را شکل دهند. انجام شده است.			
با وقوع تحولات جدید در نظام بین‌الملل و به‌ویژه تغییر در قطب‌بندی جهانی قدرت، نقش قدرت‌های منطقه‌ای و جایگاه نظم منطقه‌ای در شکل‌دهی به نظم جهانی اهمیت زیادی پیدا کرده است. از این رو، مقاله حاضر بر روی مناطق و قدرت‌های منطقه‌ای و بررسی کارکرد، نقش و نفوذ آنها بر ارکان شکل‌دهنده به نظم جهانی متمرکز شده است. استدلال اصلی مقاله این است که پایان جنگ سرد، نظم جهانی، توزیع و نحوه اعمال قدرت در نظام بین‌الملل را تغییر داده است. با چندقطبی شدن نظم بین‌الملل، قدرت‌های منطقه‌ای مایل‌اند نقش تعیین‌کننده‌تری را در مدیریت جهان به‌عهده بگیرند و در تنظیم سیاست‌های جهانی ایفای نقش کنند. پایان جنگ سرد و گذر از نظم دوقطبی به نظم چندقطبی، ظهور مناطق و افزایش توانمندی‌های قدرت‌های منطقه‌ای در مدیریت و ایجاد نظم در منطقه و ورود به ساختار تصمیم‌گیری‌های جهانی را به همراه داشته است. در مقاله حاضر، بررسی ماهیت قدرت‌های منطقه‌ای و اهداف آنها در گرایش به سوی منطقه‌گرایی و نقش نظم منطقه‌ای در بازتعریف نظم جهانی بررسی شده است.	قدرت‌های منطقه‌ای و نظم جهانی پس از جنگ سرد	۱۳۹۴	موسوی شفائی و نقدی

یافته‌ها	عنوان پژوهش	سال	محقق
<p>پژوهشگر عنوان نموده است که در فضای جهانی شدن پایان قرن بیستم و هزاره سوم میلادی عناصر دولتمداری با چالش و فرصت مواجه گردید. این فضا برای تمامی کشورها دارای تبعات یکسان نبود برخی از کشورها که زیرساخت‌های دولت را برای ورود به عصرپسا- صنعتی و پسا دموکراسی و اقتصادهای فرامکانی و زمانی و بازیگران متعدد و متنوع و متکثر قدرت آماده نموده بودند توانستند از این شرایط به‌عنوان یک فرصت استفاده نمایند. جهانی شدن اقتصاد در چارچوب انقلاب اطلاعاتی زمینه فرسایشی دولت را آماده و از این حوزه ساختارهای سیاسی، فرهنگی کارکردی جهانی به خود گرفتند. در این عصر محیط بین‌الملل به لحاظ تنوریک به سوی جامعه بین‌الملل هدایت گردید. در این فضا سرزمین به حصار دولت و جمعیت عامل قدرت، حکومت مطلق و حاکمیت بلامنازعه با بحران معنایی مواجه شدند. شرایط جهانی شدن اقتصاد تا مقطعی وارد حوزه تنوریک شد که از افول دولت و یا فرسایش آن سخن به میان آمد.</p>	<p>جهانی شدن و وستفالی زدایی از متغیرهای دولت</p>	<p>۱۳۸۹</p>	<p>جعفری</p>
<p>مقاله پیشرو رابطه میان جهانی شدن و حاکمیت را مد نظر قرار داده و این پرسش اصلی را مطرح می‌سازد که فرایند جهانی شدن در عصر پساوستفالی چه تأثیری بر حاکمیت دولت‌ها گذاشته است؟ در پاسخ به سؤال مذکور، فرضیه مقاله از این قرار است که جهانی شدن منجر به فرسایش و زوال حاکمیت‌های ملی نگردیده و دولت‌های مستقل حاکم در یک آینده قابل پیش‌بینی</p>	<p>جهانی شدن و مسئله فرسایش حاکمیت در عصر پساوستفالی</p>	<p>۱۳۹۲</p>	<p>خانی و سعیدی</p>

محقق	سال	عنوان پژوهش	یافته‌ها
			همچنان مهم‌ترین کنشگران نظام جهانی باقی خواهند ماند، اما جهانی‌شدن حاکمیت‌ها را دستخوش تغییرات شگرفی ساخته و از میزان استقلال و ظرفیت خود اداره‌گری آنها به نفع حاکمیت‌های فراملی کاسته است.

با توجه به بررسی پیشینه پژوهش که بخشی از آن در جدول شماره (۱) ارائه گردید، نکات زیر به صورت خلاصه مشاهده می‌شود:

- توجه ویژه پژوهش‌ها و مقالات به اهمیت نظم نوین جهانی و نظم نوین منطقه‌ای با توجه به مقوله‌های روابط بین‌الملل و پویایی محیط جوامع امروزی؛
  - اهمیت نگاه هدفمند به هندسه قدرت جدید منطقه غرب آسیا با در نظر گرفتن تمامی عوامل مرتبط با آن.
- موارد زیر را می‌توان به‌عنوان ضرورت‌های انجام این پژوهش برشمرد:
- توجه به تهدیدهای و فرصت‌های مطرح در حوزه نظم نوین جهانی با امعان نظر به رویکرد تحولات منطقه‌ای و جهانی رخ داده شده در این حوزه؛
  - شناسایی نیروهای پیشران مؤثر در شکل‌گیری قدرت جدید منطقه غرب آسیا متأثر از گذار نظم پساستفالی.

## ۲- روش‌شناسی

روش پژوهش، روش آمیخته با رویکرد اکتشافی است و جامعه آماری پژوهش به صورت هدفمند شامل (۲۷) نفر از خبرگان و صاحب‌نظران حوزه امنیت ملی و روابط بین‌الملل از دانشگاه‌های نیروهای مسلح است. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای و برگزاری پنل‌های خبرگی و با استفاده از تکنیک ذهن‌انگیزی صورت پذیرفته است که از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و انجام مصاحبه به صورت توفان فکری و جلسات ذهن‌انگیزی، (۲۳) نیروی پیشران احصاء شد که به‌عنوان نیروهای پیشران شکل‌دهنده هندسه نظم نوین منطقه غرب آسیا در گذار از نظم پساستفالی

تعریف شدند. برای صحت‌سنجی نیروهای پیشران از آزمون‌های اختصاصی نرم‌افزار SPSS (t) تک‌نمونه‌ای، ضریب توافقی کندال و آلفای کرونباخ) استفاده شد که نتایج و خروجی نرم‌افزار در بخش یافته‌ها مطرح شده است. ضمناً از بین نیروهای پیشران شناسایی شده با استفاده از نرم‌افزار آینده‌پژوهی میک‌مک و به‌کارگیری تحلیل اثر ماتریس متقابل مؤثرترین نیروهای پیشران در حوزه هندسه قدرت جدید منطقه غرب آسیا در گذر از نظم پساوستفالی شناسایی و احصاء گردید.

### ۳- چارچوب مفهومی: گذار از نظم پساوستفالی

در آستانه قرن بیستم با سقوط هژمون جهانی و افول قدرت آن، دنیا یک‌بار دیگر شاهد شکل‌گیری نظم نوینی است که این بار از سوی هژمون‌های منطقه‌ای در حال شکل‌گیری است. برخلاف نظم پساوستفالی که ساختار حکمرانی نظام‌های سیاسی به صورت سلسله‌مراتبی و بر اساس اصل تفکیک سه قوه (قانون‌گذار، دولت و قضایی) شکل گرفت؛ در نظم نوین، حکومت‌های منطقه‌ای به صورت افقی و بر اساس اصل وابستگی متقابل شکل گرفته و در آن استراتژیست‌ها جایگزین ژنرال‌های پنج ستاره و دیپلمات‌های دیوان‌سالار شده است (جهانگیری و ساعی، ۱۳۹۹: ۱-۱۳).

در نظم پساوستفالی، دولت‌های ملی انحصار بازیگری داخلی و بین‌المللی را در زمین، دریا، هوا و فضا در دست داشتند؛ اما در نظم نوین ملت‌ها نه تنها انحصار بازیگری در عرصه نوین را از آن خود کرده‌اند، بلکه دایره و میدان بازیگری دولت‌های ملی در عرصه‌های سابق (زمین، دریا، هوا و فضا) را نیز به شدت تنگ کرده‌اند. در پساوستفالی، دولت‌های ملی از طریق پیمان‌های سیاسی، ائتلاف‌های قدرت تشکیل می‌دادند، به نحوی که هیچ کشوری خارج از الزامات آن یارای ادامه حیات نداشت؛ اما در نظم نوین، ملت‌ها و جنبش‌های مردمی از طریق ادغام و انحصار، ائتلاف‌های جدید تشکیل می‌دهند که حتی تنها (و شاید آخرین) ابرقدرت بازمانده از نظم پساوستفالی را در تنگنا قرار داده باشند (Lee, 2018: 187).

پیمان و ستفالی، پیمان‌نامه‌ای بود که پس از پایان جنگ‌های سی ساله مذهبی در اروپا (۱۶۱۸-۱۶۴۸) در سالن شهرداری شهر مونستر آلمان میان کشورهای اروپایی در ۱۶۴۸ میلادی بسته شد. در این پیمان همه کشورهای اروپایی جز بریتانیا و پادشاهی لهستان شرکت داشتند. وستفالی



نخستین پیمان صلح چندجانبه پس از رنسانس در اروپا است. این پیمان بعدها به معاهدات بزرگ مشابهی میان کشورها انجامید که سرانجام به قانون بین‌الملل منتهی شد. پیمان وستفالی، الگو و پایه جامعه ملل و سپس سازمان ملل متحد گردید. در این پیمان، برای نخستین بار حقوق برابر و یکسان کشورها به‌عنوان واحدهای سیاسی مستقل مطرح و پذیرفته شد. مطابق این پیمان کشورهای مستقل حق دارند، سرنوشتشان را تعیین کنند، برابرند و حق دخالت در امور هم را ندارند؛ از این روی این پیمان گاه در ستیز با جهانی سازی و دخالت‌های نظامی، انسانی و دخالت علیه دولت‌های شکست خورده است (اسماعیلی و جاودانی مقدم، ۱۳۹۹: ۱۸۹-۲۱۸).

عمر آنچه نظم جهانی وستفالی نامیده می‌شود تا جنگ جهانی اول بود. پس از پایان این جنگ، معاهده ورسای و تشکیل جامعه ملل، تلاشی برای پایه‌گذاری نظم جدید بود. تلاشی که موفق نبود و جنگ جهانی دوم با ابعادی گسترده‌تر و قربانیانی بیشتر، محصول شکست این نظم بود. پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا و متحدان اروپایی آن کوشیدند با استفاده از ابزار مختلف، «نظم جهانی لیبرال» را بر دنیا حاکم کنند. طرح مارشال، تشکیل نهادهای به‌ظاهر بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و ایجاد ساختارهای امنیتی و نظامی چندجانبه مانند ناتو از جمله مهم‌ترین اقدامات برای جاانداختن نظم مورد نظر غرب بود. در همین حال اتحاد جماهیر شوروی در قالب بلوک شرق، به‌عنوان رقیب جهان لیبرال، می‌کوشید نظم مورد نظر خود را حاکم کند (شهابی و عباسی، ۱۳۹۵: ۱۷۷-۲۰۲).

این دوپارگی در نظم جهانی، در نهایت در دهه پایانی قرن بیستم، با فروپاشی بلوک شرق پایان یافت. پس از جنگ سرد، غرب به سرکردگی آمریکا از «نظم نوین جهانی» سخن گفت؛ ناتو گسترش یافت، اتحادیه اروپا قدرت گرفت و روبه‌ها و نهادهای غربی به‌عنوان الگو و هدایت‌کننده سایر کشورها تبلیغ و ترویج شدند. البته در این میان یک مورد استثنایی نیز وجود داشت. انقلاب اسلامی ایران که حدود یک دهه پیش پدید آمده بود و هیچ‌کدام از نظم‌های شرقی و غربی را برنرفته و داعیه دیگری داشت. نوپایی انقلاب اسلامی و درگیری آن با مخاطرات وجودی مانند جنگ همه‌جانبه ۸ ساله، از جمله دلایلی بود که در آن سال‌ها کسی این عامل را در محاسبات مربوط به «نظم جهانی» تأثیرگذار نداند (محمدنیا، ۱۳۹۴: ۱۷۵-۲۰۴).

بلوک غرب، سرخوش از شکست رقیب سنتی خود، از برتری بلامنازع و بی‌رقیب نظم لیبرال بر جهان گفت و نظریه «پایان تاریخ» را مطرح کرد. اوج قدرت‌نمایی نظم نوین جهانی در سال‌های ابتدایی قرن بیست و یک بود که آمریکا و متحدانش بدون احساس نیاز به اخذ مجوز بین‌المللی، در واکنش به حوادث مشکوک ۱۱ سپتامبر به افغانستان و عراق لشکرکشی کرده و به دلایلی که خارج از بحث است، این دو کشور را به اسم مبارزه با تروریسم و گسترش دموکراسی، اشغال کردند. لحظه این قدرت‌نمایی و یکه‌تازی، لحظه افول آن نیز بود. به سرعت مشخص شد آنچه آمریکا پیروزی در افغانستان و عراق می‌نامد، چیزی جز یک باتلاق عمیق که آبستن شکستی سخت است، نیست (شمشادی، ۱۳۹۳: ۱۱۱-۱۲۶).

فقط دو دهه زمان لازم بود تا مشخص شود این نظم که مانند نظم‌های پیشین سعی دارد خود را جهانی جا بزند، نه تنها جهانی نیست بلکه در حیطه سیطره خود نیز ناکارآمد بوده و حامل گسل‌های غیرقابل چشم‌پوشی بسیاری است. بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸، شورش‌ها و ناآرامی‌های متعدد و دنباله‌دار در کشورهای مختلف غربی علیه بی‌عدالتی سیستماتیک اجتماعی و اقتصادی، مرده به دنیا آمدن طرح «خاورمیانه جدید»، شکست در عراق و افغانستان و فرار خفت‌بار از کابل و درگیری‌های سیاسی داخلی آمریکا در انتخابات ۲۰۲۰ تنها چند نمونه از نمودهای شکست و ناکارآمدی این نظم هستند (Knock, 2019: 196).

فرانسیس فوکویاما، صاحب نظریه «پایان تاریخ»، در این شرایط بار دیگر دست به قلم شد و این بار کتاب «پس از پایان تاریخ» را نوشت. او در این کتاب و سایر نوشته‌های خود اعتراف کرد که درباره پیروزی بلامنازع سیاسی و اقتصادی نظام لیبرالیسم در دنیا، بیش از اندازه خوشبین بوده و شواهد چیزهای دیگری را نشان می‌دهد. او نخبگان غربی را یکی از عوامل شکست الگوی لیبرال-دموکراسی معرفی کرد و گفت به دلیل سوءاستفاده‌های آنان، سیستم سیاسی دموکراتیک جوابگوی مطالبات مردم نیست و از سوی دیگر، راه برای لابی‌گری گروه‌هایی با منافع خاص نیز باز است (رسولی ثانی، ۱۳۹۲: ۲۲۱-۲۴۳).

حمله روسیه به اوکراین آخرین باورمندان به «نظم نوین جهانی» را هم متقاعد کرده است که جهان پس از این جنگ و نظم حاکم بر آن، با جهان پیشین متفاوت خواهد بود. نشانه‌ها یکی پس از دیگری در حال ظهور و بروز هستند که می‌توان به چند مورد از آنها اشاره کرد؛ از تصمیم چین

درباره معامله نفتی با یوآن گرفته تا جنگ تحریمی و انرژی روسیه و اروپا و استفاده از ده‌ها میلیون بشکه نفت ذخیره استراتژیک آمریکا برای نخستین بار و بی‌اعتمادی صریح کشورهای جنوب غرب آسیا به تضمین‌های امنیتی و امنیتی و... جهان چندقطبی زیر سایه نظم جدید در حال تولد است. نتیجه جنگ اوکراین بر این نظم اثرگذار خواهد بود و کشورهای بسیاری به آن چشم دوخته‌اند، اما نتیجه هر چه باشد، گذار از نظم پیشین حتمی است. مرحله گذار، تعیین‌کننده‌ترین مرحله در تعیین جایگاه کشورها در نظم جدید است (Genschel, 2023: 343-360).

ایران در دو مورد از نقاط عطف پیشین، مطلقاً حرفی برای گفتن و محلی از اعراب نداشت. یک قرن پیش پس از جنگ جهانی اول وقتی کشورهای اصلی اروپا در کاخ ورسای گرد هم آمده بودند تا نظم جدید را شکل دهند، ایران نیز فرستادگانی را روانه پاریس کرد تا به خیال خود سهمی از وضعیت جدید داشته باشد. اوضاع فرستادگان ایران چنان اسفبار بود که حتی مخارج اسکان در پاریس را نداشتند و نسبه در مهمانخانه‌ای بودند و تناسب قدرت و مطالباتشان چنان بود که به اعتراف خود آنها، مایه تمسخر و ریشخند دیگران شدند. در جنگ جهانی دوم نیز اوضاع چنان بود که سران آمریکا، شوروی و انگلیس بدون اجازه دولت ایران در تهران تشکیل جلسه دادند و نفر اول مملکت را هم به راحتی آب خوردن عوض کردند. همین دو نکته کوتاه برای درک وضعیت ایران در آن دو برهه و جایگاه ما در نظم جدید جهانی کفایت می‌کند (فرجی‌راد و شاملو، ۱۳۹۹: ۲۴۹-۲۷۸).

قرن بیستم شاهد تغییرات مهمی در جهان بود که ترتیبات راهبردی و نظم سیاسی بین‌الملل را دچار دگرگونی ساخت. اولین تغییر، ناشی از جنگ جهانی اول بود که به اضمحلال امپراتوری‌های عثمانی و اتریش منتهی شد و نظم نوینی را در عرصه بین‌الملل پدید آورد. دومین تغییر مهم که با وقوع جنگ جهانی دوم ایجاد گردید، تقسیم جهان به دو بلوک شرق و غرب و در واقع خلق یک سیستم دوقطبی در عرصه بین‌الملل بود و در نهایت تغییر مهم سوم، در سال‌های پایانی دهه هشتاد اتفاق افتاد که تأثیر عمده‌ای بر جغرافیای سیاسی جهان و سیستم بین‌الملل داشت که این تغییر عمده در نهایت منجر به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پدیدار شدن پانزده کشور جدید در نقشه جغرافیایی دنیا گردید که در اصطلاح به کشورهای پسا شوروی<sup>۱</sup> (روسیه، سه کشور در حوزه

<sup>1</sup>Post-Soviet states

بالتیک، سه کشور در قفقاز جنوبی، پنج کشور در آسیای مرکزی، سه کشور در اروپای شرقی) نیز معروف هستند (لویمی، ۱۴۰۰: ۱۶-۱).

در این تغییر، نظم جهانی از نظام دوقطبی خارج و وارد یک نظم جدیدی شد که در رأس آن آمریکا قرار داشت. نظم نوین جهانی یک هدف آرمانی برای میل به یک مدینه‌ی فاضله داشت، این مدینه ریشه در آرمان‌گرایی آمریکایی دارد که در دوران ویلسون<sup>۱</sup> برای اولین بار مطرح شد که در آن کشورها بدون درگیری و اختلاف به ایفای نقش خود در این نظم بپردازند. فلسفه‌ی این نظم این است که برای حکومت بر تمام دنیا باید هژمونی مسلط نظم خاص را مطرح کند تا مانع بی‌نظمی بر نظم بین‌الملل شود (کرم‌پوری، ۱۳۹۷).

نظم نوین جهانی به‌عنوان دکترین سیاست خارجی ایالات‌متحده آمریکا و در زمان ریاست جمهوری جرج بوش پدر در جنگ خلیج‌فارس با اهداف آرمان‌گرایانه در واقع به‌منظور سلطه و تداوم هژمونی آمریکا بر نقاط استراتژیک دنیا تدوین گردید. این نظم که توسط آمریکا و هم‌پیمانانش شکل گرفت، در حال حاضر و در دنیای معاصر در حال طی کردن دوره تغییر شکل است، افزایش تعداد مراکز اقتصاد جهانی و توسعه سیاسی و تقویت جایگاه کشورهای پیشرو جهانی و منطقه‌ای منجر به تغییر ساختار نظم جهانی و شکل‌گیری معماری و مقررات و اصول جدید ساختار جهان می‌شود (Ikenberry, 2018: 7-23).

یکی از واقعیت‌هایی که امروزه در سطح بین‌الملل وجود دارد، این است که ما شاهد جهان در حال تغییر و آن‌هم تغییری پرشتاب و پرمحتوا هستیم که یکی از مهم‌ترین آن‌ها انتقال قدرت از غرب به شرق است و بر این اساس دکترین جدید امنیت ملی آمریکا نیروهای نظامی این کشور در منطقه آسیا‌پاسفیک متمرکز خواهد شد. تغییر رویکرد قاره‌ای آمریکا از منطقه خاورمیانه به پاسفیک باعث ایجاد یک دوره تنفس در منطقه خاورمیانه خواهد شد (یزدان پناه، ۱۳۹۲).

این امر به معنای غفلت از سایر مناطق جهان از جمله خاورمیانه نیست، اما این فرصت پیش آمده در غرب آسیا و خروج موقت آمریکا از منطقه ژئواستراتژی خاورمیانه می‌تواند به‌عنوان یک فرصت طلایی برای جمهوری اسلامی ایران باشد و راه پیشرفت را کمی هموارتر کند، از این‌رو ایران

<sup>۱</sup>Wilson

می‌تواند روابط سیاسی امنیتی خود را با کشورهای منطقه را عادی کند و اعتماد و اطمینان خاطر آن‌ها را نسبت به خود جلب کند (کاویانی راد، ۱۳۹۶).

از طرفی دیگر آمریکا با خروج خود بازیگران جدیدی را جایگزین خود می‌کند که این بازیگران منطقه‌ای نظیر ترکیه و عربستان به‌عنوان قدرت‌های منطقه‌ای در حال رقابت با جمهوری اسلامی خواهند شد، از این‌رو بهترین فرصت در دوره گذار نظم جهانی دوستی و ایجاد یک رابطه‌ی دوستانه با کشورهای همسایه است تا بتوانند جلوی سیاست‌گذاری‌های قدرت‌های بزرگ را در منطقه بگیرند (جلالی و مجد، ۱۳۹۵: ۴۳-۶۴).

سیاست ترکیه در سال‌های اخیر نشان از این دارد که ترکیه به خاطر این‌که در سمت غرب نمی‌تواند به این صورت پیروز میدان باشد پس از این جهت تغییر رویه داده و نشان داده است که در این نوع سیاست‌گذاری و فرصت‌شناسی بسیار کارآمد بوده و توانسته تهدیدات منطقه را یک فرصت جدی برای کشور خود تبدیل کند که این نوع سیاست‌گذاری باعث تهدیدهایی برای جمهوری اسلامی ایران شده است (Keersmaecker, 2016: 238).

این در حالی است که ترکیه به‌عنوان یک کشور عضو ناتو با مسکو پکن وارد روابط خارجی خوبی شده است. حال این سیاست خارجی و حرکت ترکیه به سمت شرق با سیاست خارجی ایران تضاد متقابل دارد. روابط ترکیه با کشورهای آسیای مرکزی پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ شکل جدیدی به خود گرفت که با افزایش نفوذ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی ترکیه در این منطقه همراه شد و جایگاه ترکیه را به‌عنوان یکی از با نفوذترین بازیگران در آسیای مرکزی تثبیت کرد (Kutlay, 2019: 683-706).

ترکیه با این اوصاف به فکر نوع‌نمایی گری و اتحاد کشورهای پان‌ترکیسم افتاده و تصمیم دارد در بهبوهه‌ی این بی‌نظمی بین‌جابه‌جایی قدرت‌های جهانی، خود را به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای و شاید هم جهانی در نظم نوین جهانی مطرح کند. سیاست‌گذاری‌های نوع‌نمایی گری ترکیه در عراق، سوریه و قره‌باغ نشانگر این سیاست‌گذاری است که یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های آن جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای در همسایگی ترکیه است که از زمان امپراتوری عثمانی، به‌عنوان یک تهدید بزرگ برای این کشور تلقی گردیده، از این‌رو ترکیه درصدد است،

همکاری خود را با آمریکا و رژیم صهیونیستی از جهات فرهنگی، نظامی، اقتصادی، سیاست خارجی، تقویت نماید (محمدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۴-۷۵).

تلاش‌های دولت چین برای احیای جاده ابریشم در قالب ابتکار یک کمربند جاده‌ای با چالش‌های فراوان روبرو است که می‌توان علاوه بر چالش‌های داخلی به چالش‌های خارجی مبتنی بر ژئوپلیتیک منطقه اشاره کرد. در این برنامه با تغییر رویکرد چین نسبت به تغییر مسیر جاده ابریشم از مسیر خشکی جمهوری اسلامی ایران و خارج کردن ایران از این طرح باید به این نتیجه پی برد که چین یک شریک راهبردی خوبی برای جمهوری اسلامی نمی‌باشد، این در حالی است که در سیاست خارجی نباید به‌طور صددرصدی به یک کشور و یک سیاست تکیه داشت. پس نمی‌توانیم تمام گرایش‌های سیاسی خود را به شرق داشته باشیم، زیرا یکی از چالش‌های بزرگ ایران در آینده کشور چین است، چراکه قدرت‌گیری چین در نزدیکی ما می‌تواند به مراتب خطرناک‌تر از قدرت بزرگی مثل آمریکا باشد (امیراحمدیان و صالحی دولت آباد، ۱۳۹۵: ۴۲-۱).

بعد از جنگ اعراب با اسرائیل تمام کشورهای عربی دشمنی خود را با رژیم صهیونیستی علنی کردند و بیش از نیم قرن درگیری بین کشورهای عربی و اسرائیل یکی از چالش‌های اصلی خاورمیانه بود؛ اما تا چندین سال پیش به‌جز مصر و اردن هیچ کشور عربی با رژیم صهیونیستی روابط عادی نداشتند تا بعد از چندین سال امارات متحده عربی پذیرفت که این روابط را علنی کند و بعد از آن بحرین، سودان و مغرب نیز روابط خود را علنی کردند. این فرآیند نشان داد که کشورهای عربی دشمنی خود بین اسرائیل با ایران را تغییر دادند (زارعی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۲-۱).

#### ۴- یافته‌ها و تحلیل داده‌ها

در پاسخ به سؤال اول پژوهش که به دنبال یافتن نیروهای پیشران شکل‌دهنده هندسه قدرت جدید منطقه غرب آسیا در گذار از نظم پساوستفالی است، پس از انجام مطالعات کتابخانه‌ای و برگزاری مصاحبه‌ها، تعداد (۲۳) نیروی پیشران به‌عنوان نیروهای شکل‌دهنده هندسه قدرت جدید منطقه غرب آسیا در گذار از نظم پساوستفالی شناسایی و احصاء گردید. نتایج مصاحبه‌های صورت

پذیرفته در قالب جلسات ذهن‌انگیزی و توفان فکری و همچنین مطالعات کتابخانه‌ای، در جدول شماره (۲) لیست شده‌اند.

جدول شماره (۲)، نیروهای پیشران احصاء شده

عنوان	عناوین نیروهای پیشران
نیروهای پیشران شکل‌دهنده هندسه قدرت جدید منطقه غرب آسیا در گذار از نظم پساوستفالی	تبلیغ سکولاریسم از سوی غرب در منطقه غرب آسیا (۱) تشدید و ترویج درگیری‌ها و منازعات فرقه‌ای (۲) ایجاد و توسعه بحران‌های قومی، مذهبی و طبقاتی (۳) ترویج بنیادگرایی سلفی (۴) تزلزل نهاد خانواده (۵) ترویج ترور و راه‌اندازی جریان‌های تروریستی (۶) ایجاد جریان‌های سلفی و تکفیری (القاعده، طالبان و داعش) (۷) ظهور کشورهای در حال توسعه با رویکرد صادرات محور (۸) احیای جاده ابریشم در دو حوزه خشکی و دریا (۹) تلاش کشورهای در حال توسعه برای استفاده از ارزهای جایگزین به جای دلار (۱۰) حضور مداخله‌جویانه کشورهای غربی در منطقه غرب آسیا (۱۱) نقش قدرت‌های پیوسته روز جنگ‌های جهانی در مرزبندی‌های جدید دنیا (۱۲) ایجاد زمینه‌های سال‌ها تنش، ناامنی و بحران در جهان (۱۳) قراردادهای نظامی و امنیتی آمریکا با متحدان و امنیتی نمودن چهره منطقه غرب آسیا (۱۴) اشغال افغانستان و عراق (۱۵) حمایت و گسترش پادشاهی‌های خودکامه و مستبد در جهان (۱۶) شکست عربستان در حمله به یمن (۱۷) تشکیل مثلث عربی، غربی و عبری در منطقه غرب آسیا (۱۸) افزایش فعالیت جریان‌های اسلام‌گرا (۱۹) مقابله محور مقاومت در مقابله با گروهک تروریستی تکفیری (۲۰) حرکت حکومت‌های حال حاضر به سمت مردم‌سالاری (۲۱) شکل‌گیری جنبش‌های مردمی علیه حاکمان جورپیشه (۲۲) عقیم ماندن تلاش‌های آمریکا در منطقه به‌عنوان هژمون جهانی (۲۳)

با توجه به مؤلفه‌های احصاء شده به منظور صحت‌سنجی و تأیید نظرات خبرگان با توزیع پرسش‌نامه در جامعه آماری موردنظر، مؤلفه‌ها، صحت‌سنجی گردید. برای این منظور اطلاعات حاصل از پرسش‌نامه در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی تجزیه و تحلیل شد. در بخش آمار توصیفی از سنجه‌های آماری از قبیل فراوانی، میانگین و انحراف معیار بهره‌برداری شد تا به توصیف داده‌های استخراج شده، پرداخته شود. در بخش آمار استنباطی از آزمون‌های تک‌نمونه‌ای و ضریب توافقی کندال به صورت مقیاس پنج گزینه‌ای (ارزشی) طیف لیکرت استفاده گردید.

#### اطلاعات و آمارهای جمعیت شناختی مربوط به خبرگان مورد استفاده در پژوهش

اطلاعات و داده‌های مربوط به آمارهای جمعیت شناختی پاسخ‌گویان در جداول شماره (۳) تا (۵) ارائه می‌گردد. توزیع فراوانی مربوط به سابقه خدمتی افراد جامعه نمونه خبرگان در جدول شماره (۳) درج شده است.

جدول شماره (۳): توزیع فراوانی مربوط به سابقه خدمتی افراد جامعه نمونه خبرگان

میزان سن خدمتی	فراوانی	درصد فراوانی
۶ تا ۱۲ سال	۲	۷/۴۰
۱۲ تا ۱۸ سال	۴	۱۴/۸۱
۱۸ تا ۲۴ سال	۱۱	۴۰/۷۴
۲۴ سال به بالا	۱۰	۳۷/۰۵
جمع	۲۷	۱۰۰

با توجه به جدول بالا ۷۷/۷۹٪ حجم جامعه نمونه خبرگان دارای سابقه خدمتی بیش از ۱۸ سال می‌باشند که بیان‌گر بالا بودن تجربه جهت درک بهتر سؤالات و پاسخگویی مناسب به آنها می‌باشد.

میزان تحصیلات کارکنان جامعه نمونه در جدول شماره (۴) درج شده است.

جدول شماره (۴): میزان تحصیلات کارکنان جامعه نمونه خبرگی

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
کارشناس	۴	۱۴/۸۲
کارشناس ارشد	۱۷	۶۲/۹۶



میزان تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
دکتر	۷	۲۵/۹۱
جمع	۲۷	۱۰۰

با توجه به جدول بالا ۸۸/۸۷٪ از جامعه نمونه حداقل دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد می‌باشند که بیانگر بالا بودن میزان تحصیلات و دانش تخصصی بالا جهت درک بهتر سؤال‌ها و پاسخگویی مناسب به آن‌ها می‌باشد.

فراوانی، درصد فراوانی و میزان آشنایی کارکنان جامعه نمونه با موضوع تحقیق در جدول شماره (۵) درج شده است.

جدول شماره (۵): میزان آشنایی کارکنان جامعه نمونه با موضوع تحقیق

میزان آشنایی	فراوانی	درصد فراوانی
کم	۱	۳/۷۰
متوسط	۵	۱۸/۵۱
زیاد	۱۳	۴۸/۱۴
خیلی زیاد	۸	۲۹/۶۲
جمع	۲۷	۱۰۰

فراوانی و درصد توزیع فراوانی داده‌های به دست آمده گویای این مطلب است که آشنایی حداقل ۷۷/۷۶٪ از جامعه نمونه خبرگان با موضوع تحقیق زیاد و خیلی زیاد هست که بیانگر بالا بودن میزان آگاهی جهت درک بهتر سؤال‌ها و پاسخگویی مناسب به آن‌ها می‌باشد. تحلیل‌های آماری با آزمون‌های نرم‌افزار SPSS (t تک نمونه‌ای، ضریب توافقی کندال و آزمون آلفای کرونباخ)

نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای مؤلفه‌های شناسایی شده به شرح جدول شماره (۶) است.

جدول شماره (۶)، نتایج آزمون t تک نمونه‌ای

عنوان	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	t	سطح معناداری
نیروهای پیشران شکل‌دهنده هندسه نظم	۴/۰۱	۰/۵۹۱	۰/۶۱۳	۱۸/۹۴	۰/۰۱

عنوان	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	t	سطح معناداری
نوین منطقه غرب آسیا در گذار از نظم پساوستفالی					

بررسی داده‌های جدول شماره (۶) نشان می‌دهد که:

- با اجرای آزمون در خصوص نیروهای پیشران شکل‌دهنده هندسه قدرت جدید منطقه غرب آسیا در گذار از نظم پساوستفالی نرم‌افزار میانگین ۴/۰۱ را نشان می‌دهد که با میانگین فرضی، در سطح معناداری ۰/۰۱ تفاوت معنی‌داری وجود ندارد (p-value = 0.01 < a = 0.00)؛ بنابراین می‌توان استنباط نمود که نیروهای پیشران شکل‌دهنده هندسه قدرت جدید منطقه غرب آسیا در گذار از نظم پساوستفالی از معناداری و اعتبار لازم برخوردار هستند.

به‌منظور بررسی روایی و پایایی عوامل شناسایی شده از ضریب توافقی کندال و آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج محاسبات در جدول شماره (۷) درج شده است.

جدول شماره (۷): محاسبه روایی و پایایی نیروهای پیشران شناسایی شده با استفاده از ضریب توافقی کندال

عنوان	تعداد خبرگان	ضریب توافقی کندال	ضریب خی دو	درجه آزادی	سطح معناداری SIG
نیروهای پیشران شکل‌دهنده هندسه قدرت جدید منطقه غرب آسیا در گذار از نظم پساوستفالی	۲۷	۰/۱۵۹	۱۰۱۷/۶۸۳	۱۰۳	۰/۰۰۰

بر اساس نتایج جدول شماره (۷) مشخص است که با بیش از ۹۹ درصد اطمینان میان مصاحبه‌شوندگان که شامل خبرگان و صاحب نظران در رابطه با موضوع پژوهش بود، در روایی عوامل احصاء شده توافقی حاصل گردیده است، با توجه به  $(P < 0/01)$  و ضریب‌های خی دو به دست آمده، بنابراین عوامل احصاء شده از روایی محتوایی لازم برخوردار هستند. در خصوص پایایی

**شناسایی و تبیین نیروهای پیشران مؤثر بر شکل‌گیری هندسه قدرت جدید منطقه غرب آسیا در گذار از نظم پساوستفالی**

عوامل احصاء شده نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و کسب نظریه‌های خبرگان نتایج به صورت جدول شماره (۸) می‌باشد.

جدول شماره (۸): محاسبه پایایی نیروهای پیشران احصاء شده با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ

عنوان	تعداد پیشران‌ها	آلفای کرونباخ
نیروهای پیشران شکل‌دهنده هندسه قدرت جدید منطقه غرب آسیا در گذار از نظم پساوستفالی	۲۳	۰/۸۹۶

با توجه به نتیجه پایایی مقیاس که از طریق آلفای کرونباخ به دست آمد، مشخص گردید مقیاس مورد نظر دارای ضریب آلفای بیش از ۰/۷ می‌باشد و در نتیجه این عوامل احصاء شده شرایط پایایی را برای پایا بودن دارا هستند. همچنین با مشاهده ضریب همبستگی حاصل شده میان عوامل احصاء شده، معلوم می‌گردد که تمامی عوامل از شرایط مناسب جهت اخذ پایایی برخوردار می‌باشند. در پاسخ به پرسش دوم ابتدا با برگزاری جلسات خبرگی نیروهای پیشران شناسایی شده مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفته و مواردی که مشابهت با همدیگر داشتند تلفیق و عناوین جدیدی به شرح جدول شماره (۹) ایجاد گردید که در نهایت با اصلاحات خبرگان مربوطه تعداد (۹) نیروی پیشران تعیین و جهت درج در ماتریس تحلیل اثر متقابل در اختیار جامعه آماری مورد نظر پژوهش در قالب پرسشنامه ماتریسی قرار گرفت.

جدول شماره (۹)، نیروهای پیشران جهت درج در ماتریس تحلیل اثر متقابل

عناوین نیروهای پیشران جهت درج در ماتریس تحلیل اثر متقابل
ترویج سکولاریسم از سوی غرب در منطقه (۱) ایجاد و حمایت از گروهک‌های تروریستی تکفیری در منطقه (۲) تزلزل نهاد خانواده (۳) احیای جاده ابریشم در دو حوزه خشکی و دریا (۴) تلاش کشورهای منطقه برای استفاده از ارزهای جایگزین به جای دلار (۵) اشغال افغانستان و عراق (۶) تشکیل مثلث عربی، غربی و عبری در منطقه غرب آسیا (۷) نقش آفرینی محور مقاومت در مقابله با گروهک‌های تروریستی تکفیری (۸) افزایش فعالیت جریان‌های نواسلام‌گرا (۹) شکل‌گیری جنبش‌های مردمی علیه حاکمان جورپیشه (۱۰)

آینده پژوهی دارای روش های مختلفی است که عموماً مطالعات آن با ترکیب روش ها صورت می گیرد. این تحقیق با ترکیب روش های مرور منابع، پنل خبرگی و تحلیل ماتریس متقاطع<sup>۱</sup> انجام شده است. در دهه گذشته شیوه تحلیل اثرات متقابل و ماتریسی در آینده پژوهی کاربرد گسترده ای پیدا کرده و تحت عنوان تحلیل ساختاری<sup>۲</sup> در پژوهش های فراوانی استفاده شده است (مولایی و طالبیان، ۱۳۹۴: ۸). پیش فرض استفاده از این شیوه تحلیل این است که اکثر وقایع و تحولات به نحوی مرتبط با سایر وقایع و مسائل هستند. روش تحلیل ساختاری بر این سؤال بنا نهاده شده است که «آیا پیش بینی آینده می تواند مبتنی بر تأثیرات احتمالی متقابل اتفاقات آینده بر یکدیگر باشد؟» (Gordon, 1994:12).

برای شروع کار ابتدا نیروهای پیشران شناسایی شده در یک ماتریس متقاطع ثبت و در اختیار خبرگان قرار گرفت. سپس از خبرگان خواسته شد تا بر اساس تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هر نیروی پیشران امتیازی به آن در این ماتریس اختصاص دهند که میزان اثرگذاری و اثرپذیری متقابل آن ها در چهار سطح ۰، ۱، ۲ و ۳ توسط خبرگان مربوط مورد ارزیابی قرار گرفت. میزان تأثیر عدد (۰) به معنی بی تأثیر، (۱) به معنی تأثیر کم، (۲) به معنی تأثیر متوسط و (۳) به معنی تأثیر زیاد می باشد. برای شروع کار با نرم افزار، ابتدا داده ها به عنوان متغیرهای مورد نظر در نرم افزار ثبت گردید (شکل شماره ۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>1</sup>Cross Impact Analysis (CIA)

<sup>2</sup>Structural Analysis



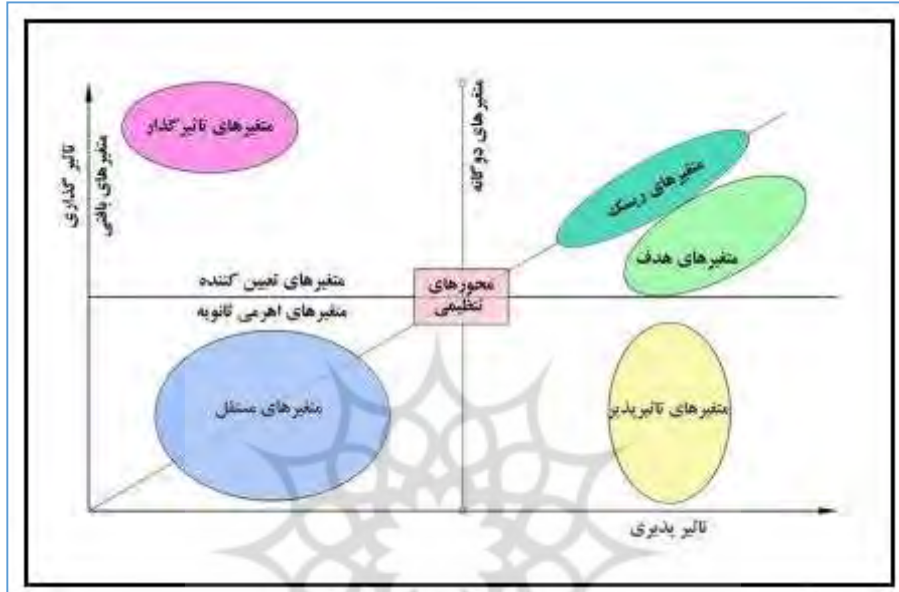
شکل شماره (۱)، ثبت نیروهای پیشران در نرم‌افزار MicMac

امتیازهای تخصیص داده شده به نیروهای پیشران بر اساس نظر خبرگان در ماتریس اثر متقابل مندرج نرم‌افزار میک مک در شکل شماره (۲) نشان داده شده است.

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۰	۳	۱	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳
۲	۳	۰	۳	۳	۳	۳	۰	۳	۱	۰
۳	۰	۳	۰	۰	۳	۳	۳	۳	۳	۰
۴	۳	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۳	۳	۳
۵	۳	۱	۳	۳	۰	۱	۳	۱	۳	۳
۶	۱	۳	۳	۱	۳	۰	۳	۳	۱	۳
۷	۳	۰	۳	۱	۳	۱	۰	۰	۳	۳
۸	۳	۳	۰	۳	۰	۳	۰	۰	۱	۱
۹	۳	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱
۱۰	۱	۱	۰	۳	۳	۱	۰	۰	۱	۰

شکل شماره (۲)، نمرات اختصاص داده شده به نیروهای پیشران در ماتریس اثر متقابل

نیروهای پیشرانی که در ماتریس اثر متقابل وارد می شود بر حسب امتیازی که کسب می کنند در یکی از نواحی نشان داده شده در شکل شماره (۳) قرار می گیرند.



شکل شماره (۳)، نواحی چهارگانه در نرم افزار MicMac

ناحیه یک به نیروهای پیشران راهبردی یا دوجوهی تعلق دارد که به صورت بسیار تأثیرگذار و بسیار تأثیرپذیر عمل می کنند و در قسمت شمال شرقی نمودار قرار دارند. این نیروهای پیشران بر پویایی و تغییر سیستم تأثیر می گذارند یعنی شاخص های ناپایداری را تشکیل می دهند. نیروهای پیشرانی که بالای خط قطری این ناحیه قرار می گیرند، نیروهای پیشران ریسک نامیده می شوند نیروهای پیشرانی که زیر خط قطری این ناحیه قرار می گیرند نیروهای پیشران «هدف» نامیده می شوند که این نیروهای پیشران تغییرات تکاملی سیستم را در پی خواهند داشت. با این توصیف نیروهای پیشرانی را که تأثیر بالایی دارند، ولی قابل کنترل نیستند، به عنوان نیروی پیشران راهبردی محسوب می شوند.

برنامه ریزان به ندرت قادر به تغییر در نیروهای پیشران قرار گرفته در ناحیه دو هستند. نیروهای پیشران مزبور در قسمت شمال غربی نمودار نمایش داده می شوند. به عنوان بحرانی ترین و کلیدی ترین نیروی پیشران، بیشتر تأثیرگذار و کم تر تأثیرپذیر هستند و نیروهای پیشران ورودی محسوب

**شناسایی و تبیین نیروهای پیشران مؤثر بر شکل‌گیری هندسه قدرت جدید منطقه غرب آسیا در نظم پساوستفالی**

می‌شوند. نیروهای پیشران محیطی عموماً در این قسمت قرار می‌گیرند که توسط سیستم قابل کنترل نیستند.

متغیرهای ناحیه سه شبکه مختصات تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بسیار پایینی دارند و نمی‌توانند نیروهای پیشران راهبردی محسوب شوند. آن‌ها در قسمت جنوب غربی نمودار قرار می‌گیرند و متغیرهای مستقل و مستثنی‌نمیده می‌شوند. این نیروهای پیشران از سایر نیروهای پیشران سیستم تأثیر نمی‌پذیرند، بر آن‌ها اثر هم ندارند و ارتباط بسیار کمی با سیستم دارند.

نیروهای پیشران ناحیه چهار نیز به دلیل وابستگی شدید به سایر نیروهای پیشران خاصیت راهبردی ندارند و بیشتر از سایر نیروهای پیشران منتج می‌شوند؛ اما نیروهای پیشران ناحیه یک نیروهای پیشران راهبردی هستند، چراکه هم قابلیت کنترل توسط سیستم مدیریتی را دارند و هم بر سیستم تأثیرگذاری قابل قبولی دارند. در واقع هر چه از انتهای ناحیه سه به سمت انتهای ناحیه یک شبکه مختصات نزدیک‌تر می‌شویم، بر میزان اهمیت و راهبردی بودن نیروی پیشران افزوده می‌شود.

شکل شماره (۴) موقعیت قرارگیری هر نیروی پیشران را با توجه به نمره کسب شده توسط خبرگان نشان می‌دهد.



شکل شماره (۴)، موقعیت قرارگیری هر نیروی پیشران با توجه به نمره کسب شده توسط خبرگان

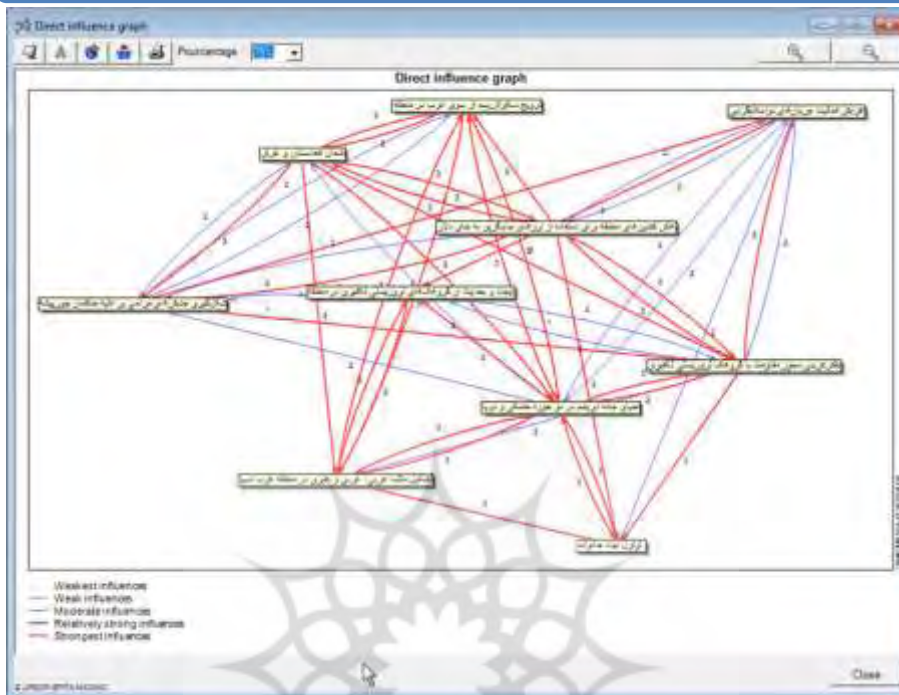
بر مبنای خروجی نقشه اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم نیروهای پیشران، نیروهای پیشران قرار گرفته در ناحیه یک شامل سه نیروی پیشران احیای جاده ابریشم در دو حوزه خشکی و دریا، تشکیل مثلث عربی، غربی و عبری در منطقه غرب آسیا و نقش آفرینی محور مقاومت در مقابله با گروهک‌های تروریستی تکفیری می‌باشد که در این ناحیه نیروهای پیشران راهبردی قرار می‌گیرند. این نیروهای پیشران بسیار تأثیرگذار و تأثیرپذیرند. این نیروهای پیشران همان نیروهای پیشرانی هستند که پژوهش نیز به دنبال شناسایی آن‌ها بوده است و بر اساس نظر خبرگان به‌عنوان مؤثرترین نیروهای پیشران از بالاترین امتیازها برخوردارند.

نیروهای پیشران تلاش کشورهای منطقه برای استفاده از ارزش‌های جایگزین به جای دلار، اشغال افغانستان و عراق و شکل‌گیری جنبش‌های مردمی علیه حاکمان جورپیشه در ناحیه دوم نمودار قرار گرفته‌اند یعنی این نیروهای پیشران به‌عنوان نیروهای پیشرانی شناخته می‌شوند که بیشتر تأثیرگذار و کم‌تر تأثیرپذیر هستند و نیروهای پیشران ورودی محسوب می‌شوند، این نیروهای پیشران بر روی سایر نیروهای پیشران شناسایی شده اثرگذار هستند.

نیروی پیشران افزایش فعالیت جریان‌های نواسلام‌گرا در ناحیه سوم (جنوب غربی) شبکه مختصات قرار گرفته‌اند که تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بسیار پایینی دارند و نیروی پیشران راهبردی محسوب نمی‌شوند. از این‌رو این نیروی پیشران، به‌عنوان نیروی پیشران مستقل و مستثنی نامیده می‌شود. این نیروی پیشران از سایر نیروهای پیشران شناسایی شده تأثیر نمی‌پذیرند، بر آن‌ها اثر هم ندارند و ارتباط بسیار کمی با سیستم دارند و قابل حذف از سیستم می‌باشد.

نیروهای پیشران ترویج سکولاریسم از سوی غرب در منطقه، ایجاد و حمایت از گروهک‌های تروریستی تکفیری در منطقه و تزلزل نهاد خانواده در ناحیه چهارم (جنوب شرقی) نمودار قرار گرفته‌اند. این نیروهای پیشران، وابستگی شدیدی به سایر نیروهای پیشران دارند و به‌عنوان نیروهای پیشران وابسته سیستم تلقی می‌شوند. (۱۰) نیروی پیشران شناسایی شده هر کدام با توجه به تعاریفی که مطرح شد دارای ویژگی‌های سیستمی خاص خود هستند و در این بین سه نیروی پیشران شناسایی شده در ناحیه اول نمودار از بالاترین تأثیرگذاری و تأثیرپذیری در سیستم بر اساس تحلیل‌های ماتریس متقارن خروجی از نظرات خبرگان برخوردار هستند.





شکل شماره (۵)، گراف تأثیرات مستقیم نیروهای پیشران

در گراف تأثیرات مستقیم نیروهای پیشران، تأثیرات متقابل نیروهای پیشران یا بازیگران دخیل بر شکل‌گیری هندسه قدرت جدید منطقه غرب آسیا در گذار از نظم پساستفالی نمایش داده می‌شود. همان‌گونه که این تصویر نیز نشان می‌دهد، بر اساس نتایج بدست آمده حاصل از محاسبات نرم‌افزاری، احیای جاده ابریشم در دو حوزه خشکی و دریا، تشکیل مثلث عربی، غربی و عبری در منطقه غرب آسیا و نقش آفرینی محور مقاومت در مقابله با گروهک‌های تروریستی تکفیری دارای قوی‌ترین اثرگذاری بر نحوه و سطح بازیگری سیستم هستند، در این میان نقش آفرینی محور مقاومت در مقابله با گروهک‌های تروریستی تکفیری از تأثیرگذاری بالایی بر موضوع مورد پژوهش برخوردار می‌باشد.

افزایش فعالیت جریان‌های نو اسلام‌گرا نقش بازیگری مؤثر بر موضوع پژوهش نداشته و هیچ‌گونه تأثیرگذاری بر سایر نیروهای پیشران ندارد و اثرات متقابل مستقیمی نسبت به سایرین ایفا نمی‌نماید.

تلاش کشورهای منطقه برای استفاده از ارزهای جایگزین به جای دلار، اشغال افغانستان و عراق و شکل‌گیری جنبش‌های مردمی علیه حاکمان جورپیشه بیشترین تأثیرگذاری را در میان عوامل کلیدی و نیروهای پیشران احصاء شده به خود اختصاص داده‌اند البته به دلیل اثرپذیری کم این نیروهای پیشران نقش راهبردی و حیاتی برای سیستم ندارند ولی در تنظیم مناسبات بایستی به آنها توجه شود.

نیروهای پیشران ترویج سکولاریسم از سوی غرب در منطقه، ایجاد و حمایت از گروهک‌های تروریستی تکفیری در منطقه و تزلزل نهاد خانواده کمترین اثرگذاری را داشته و در عوض بیشترین تأثیرپذیری را از سایر نیروهای پیشران دارند و از این رو وابسته به سیستم تلقی می‌شوند.

#### ۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تاریخ تحولات منطقه غرب آسیا نشان می‌دهد که نقش قدرت‌های بیگانه در جریان این تحولات برجسته بوده است. انعقاد قراردادهایی نظیر سایکس-پیکو و سور گواه این واقعیت است که معماری بی‌ثبات غرب آسیا برای سده اخیر، ماحصل سیاست‌های دخالت‌جویانه قدرت‌های غربی بوده است. با کاهش تدریجی نفوذ انگلستان در منطقه، ایالات متحده به‌عنوان قدرت هژمونیک به سیاست‌های مداخله‌جویانه خود در منطقه ادامه داد. این سیاست‌ها در جهت شکل‌دهی به نظم مورد نظر و مطلوب واشنگتن بوده است. طرح دکترین دو ستونه نیکسون، طرح خاورمیانه بزرگ و خاورمیانه جدید در همین راستا قابل تحلیل هستند. تحولات بعد از بیداری اسلامی از نظم نوینی حکایت دارد که در طی آن برخی مؤلفه‌های نظم پیشین تغییر کرده یا در حال تغییر به مؤلفه دیگری هستند.

تحولات و پویایی‌های جدیدی در غرب آسیا در حال ظهور هستند که خبر از شکل‌گیری نظم نوین منطقه در این منطقه می‌دهند. این نظم که با شروع بیداری اسلامی خود را بیش از پیش مطرح ساخته، دارای مؤلفه‌های متمایزی نسبت به نظم پیشین در منطقه است. در این میان، بازیگران مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به میزان متفاوتی به بازیگری سازنده و یا ویرانگر در مسیر این نظم پرداخته‌اند. جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای مهم توانسته نقش برجسته‌ای را در شکل‌دهی به این نظم ایفا کند. در این راستا، ایران از کشورهای مختلف منطقه

ای و بین‌الملل برای حرکت به سوی نظم مورد نظر بهره برده است. در سطح منطقه بازیگری اعضاء محور مقاومت و در سطح جهانی بازیگری قدرت‌های ضدژئومونیک قابل بررسی است. پژوهش حاضر با رویکردی اکتشافی به دنبال شناسایی و تبیین نیروهای پیشران‌های مؤثر بر شکل‌گیری هندسه قدرت جدید منطقه غرب آسیا در گذار از نظم پساوستفالی بود که برای این مهم با تشکیل جلسات توفان فکری و ذهن‌انگیزی تعداد (۲۳) نیروی پیشران شناسایی و مورد تحلیل قرار گرفتند. نتیجه تحلیل‌ها آماری و تجزیه و تحلیل ماتریس اثر متقابل تبیین سه نیروی پیشران احیای جاده ابریشم در دو حوزه خشکی و دریا، تشکیل مثلث عربی، غربی و عبری در منطقه غرب آسیا و نقش آفرینی محور مقاومت در مقابله با گروهک‌های تروریستی تکفیری به‌عنوان نیروهای پیشران اصلی و مؤثر بر موضوع مورد پژوهش می‌باشند.

## منابع و مآخذ

- اسماعیلی، امیرمحمد. جاودانی مقدم، مهدی. (۱۳۹۹). بازخوانی مؤلفه‌های نظم نوین در حال شکل‌گیری در منطقه غرب آسیا در پرتو بیداری اسلامی. *مطالعات بیداری اسلامی*، ۹(۲)، ۲۱۸-۱۸۹.
- امیراحمدیان، بهرام و صالحی دولت‌آباد، روح اله. (۱۳۹۵). ابتکار «جاده ابریشم جدید» چین (اهداف، موانع و چالش‌ها). *مطالعات روابط بین‌الملل*، ۹(۳۶)، ۴۲-۱.
- بصری، محمدعلی. مجیدی، سیدعلی و موسوی، سید قائم. (۱۳۹۶). واکاوی تهدیدات امنیتی داعش بر محور مقاومت و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۴(۴۸)، ۲۶-۷.
- جعفری، انوش. (۱۳۸۹). جهانی شدن و وستفالی زدایی از متغیرهای دولت. *علوم سیاسی*، ۳(۱۳)، ۸۳-۱۳.
- جلالی، رضا و مجد، مهدی. (۱۳۹۵). نظم نوین جهانی و تأثیر آن بر منطقه خاورمیانه بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰. *مطالعات روابط بین‌الملل*، ۹(۳۴)، ۶۴-۴۳.
- جهانگیری، سعید و ساعی، احمد. (۱۳۹۹). واکاوی دگرترین و سیاست خارجی باراک اوباما در خاورمیانه و غرب آسیا از منظر منتقدان (ابعاد و رویکردها). *سیاست پژوهی جهان اسلام*، ۷(۱۶)، ۱۳-۱.
- خانی، محمدحسن و سعیدی، روح‌الامین. (۱۳۹۲). جهانی شدن و مسئله فرسایش حاکمیت در عصر پساوستفالی. *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱(۸)، ۱۳۳-۱۰۳.
- دوست محمدی، احمد و الغبان، محمد. (۱۳۹۴). بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا و واکنش ایالات متحده نسبت به آن. *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۲(۴۱)، ۱۳۰-۱۰۹.

- رسولی ثانی آبادی، الهام. (۱۳۹۲). بررسی تحولات انقلابی کشورهای عربی از منظر لیبرالیسم، سازه‌انگاری و نظریه انتقادی روابط بین‌الملل. *روابط خارجی*، ۵(۲)، ۲۴۳-۲۲۱.
- زارعی، غفار. فدایی دولت، غلام‌عباس و نریمانی، حسن. (۱۳۹۹). بررسی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰. *مطالعات منافع ملی*، ۲۰(۵)، ۲۲-۱.
- شمشادی، آخوند کاکا. (۱۳۹۳). بیداری اسلامی ملت‌های مسلمان و تغییر رژیم در کشورهای عربی. *حبل‌المتین*، ۳(۶)، ۱۱۱-۱۲۶.
- شهابی، سهراب و عباسی، فهیمه. (۱۳۹۵). جهانی شدن اقتصاد و ثبات رژیم‌های سیاسی در خاورمیانه عربی. *روابط خارجی*، ۸(۴)، ۱۷۷-۲۰۲.
- فرجی راد، عبدالرضا و شاملو، رضا. (۱۳۹۹). واکاوی اهداف و اجزای طرح صلح ترامپ موسوم به معامله قرن و تأثیر آن بر جایگاه منطقه‌ای جبهه مقاومت. *سیاست و روابط بین‌الملل*، ۴(۱)، ۲۷۸-۲۴۹.
- کرم‌پوری، محمد. (۱۳۹۷). تأثیر نظم نوین جهانی بر سیاست خارجه آمریکا (۱۹۹۱ تا ۲۰۱۶). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- کاوایانی راد، مراد. قنبرلو، عبدالله و دلالت، مراد. (۱۳۹۶). تأثیر رویکرد پاسیفیک محور ایالات متحده بر امنیت جنوب غرب آسیا (با تأکید بر امنیت ملی ج.ا.ایران). *بین‌المللی ژئوپلیتیک*، ۱۳(۴۵)، ۷۲-۳۱.
- لویمی، خدیجه. کریمی‌نیا، محمدمهدی. انصاری مقدم، مجتبی. (۱۴۰۰). تحلیل نقش نظم نوین جهانی در خاورمیانه. *پژوهش‌های معاصر در علوم تحقیقات*، ۳(۲۷)، ۱۳-۱.
- محمودی، شعبان، رضایی، احمد و رازقی، نادر. (۱۴۰۰). گرایش به پان‌ترکیسم در مناطق آذری نشین ایران. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۲۲(۴)، ۷۵-۵۴.
- محمدنیا، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی سیاست خارجی دولت‌های اصول‌گرا و اعتدال. *سیاست پژوهی جهان اسلام*، ۲(۲)، ۱۷۵-۲۰۴.
- موسوی شقایب، سید مسعود و نقدی، فرزانه. (۱۳۹۴). قدرت‌های منطقه‌ای و نظم جهانی پس از جنگ سرد، *بین‌المللی ژئوپلیتیک*، ۱۱(۴۰)، ۱۷۶-۱۴۷.
- مولایی، محمدمهدی و طالبیان، حامد. (۱۳۹۴). آینده پژوهی مسائل ایران با روش تحلیل ساختاری. *مجلس و راهبرد*، ۲۳(۸۶)، ۳۲-۵.
- یزدان‌پناه، محمد و جانفشان، سید مهدی. (۱۳۹۲). تغییر راهبرد نظامی - امنیتی آمریکا از منطقه خاورمیانه به پاسیفیک و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران. *سیاست دفاعی*، ۲۲(۸۵)، ۲۸۴-۲۵۷.
- De Keersmaeker, G. (2016). *Polarity, Balance of Power and International Relations Theory: Post-Cold War and the 19th Century Compared*. Springer.

- Felder, C., Trompeter, L., Skutlarek, D., Färber, H., Mutters, N. T., & Heinemann, C. (2023). Exposure of a single wild boar population in North Rhine-Westphalia (Germany) to perfluoroalkyl acids. *Environmental Science and Pollution Research*, 30(6), 15575-15584.
- Genschel, P., Leek, L., & Weyns, J. (2023). War and integration. The Russian attack on Ukraine and the institutional development of the EU. *Journal of European Integration*, 45(3), 343-360.
- Gordon, Theodore. (1994), *Trend Impact Analysis*, AC/UNU Millennium project.
- Ikenberry, G. J. (2018). The end of liberal international order?. *International Affairs*, 94(1), 7-23.
- Knock, T. (2019). *To End All Wars, New Edition: Woodrow Wilson and the Quest for a New World Order*. Princeton University Press.
- Kutlay, M. (2020). The politics of state capitalism in a post-liberal international order: The case of Turkey. *Third world quarterly*, 41(4), 683-706.
- Lee, K. F. (2018). *AI superpowers: China, Silicon Valley, and the new world order*. Houghton Mifflin.

